

شناخت حریم و شناخت لحظه: حالا فهمیدم که چرا به «هفت» نمی روم

امین تارخ

چاپ شده در: روزنامه شرق

زمان انتشار: دی ماه ۱۳۸۹

این کارگری بود که فریدون جیرانی با پخش صحبت های بانو فریماه فرجامی، بازیگر شماری از بهترین فیلم های سینمای ایران در فاصله سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ کرد و به عمد، کمترین میزان تدوین و تعدیل را در این حرف ها به کار برد تا هر چه بیشتر به هدف تخریبی مشخصی برسد که البته همه می دانید و می شناسید؛ ولی من به قصد جلوگیری از ایجاد واکنش «ما که نمی دونیم داری از چی حرف می زنی» در دوستان پشت این برنامه، به آن اشاره می کنم: زمانی که در بحث بر سر اهداف نهان در پس فیلم «سوپرستار» گفته می شد که قصدش تخریب نفس شهرت و محبوبیت در این دوران و این جامعه بوده، تهمینه میلانی در پاسخ گفته بود که از طرح مسائل زندگی شخصیت سوپرستار فیلمش، هدف تخریب سینما و سینماگران را دنبال نمی کرده و ابعادی فراتر را در نظر داشته و می خواسته هر نوع شهرت، اعم از سوپرستار عرصه های فوتبال یا موسیقی را هم هدف بگیرد. همان زمان نوشتم که ماهیت تخریبی چنین هدفی بیش از آن است که فیلم به فرض می خواست فقط شهرت سینمایی را زیر سؤال ببرد. و این که به طور کلی هر شهرتی را به هر شکلی، سرچشمه فساد نشان دهیم، به شدت همسو با همان مقاصد رسمی تعریف شده ای است که اساساً به شکل گیری و تشویق فیلمی چون «سوپرستار» و نمونه های مشابهش انجامیده؛ و این تعبیر او می توانست چنین فیلم هایی را نورچشمی تر کند؛ که کرد.

حالا و در برنامه ضدسینمایی «هفت»، این کار حتی به بهای گذر کردن از مرز و محدوده های عرفی تلویزیون ما و با پخش نظرات شخصی بانو فرجامی در روزگار ناخوش کنونی اش، آن هم در وصف مسائلی از همکاران او که به دلیل حال و هوای به اصطلاح «خاله زنگی» هرگز در موارد دیگر از تلویزیون پخش نمی شد، همان جریان تخریب شهرت و محبوبیت، به فاز جدیدی از بهره برداری رسیده است. این می توانست به هدف مطلوب هدایت کنندگان اصلی برنامه بسیار نزدیک شود اگر امین تارخ آن شب و درست بعد از پخش آن گفتگوی جیرانی و بانو فرجامی، آن جا در استودیو حاضر نبود تا از تعمد برنامه در

تعدیل نکردن گفته های بانو، پرده برداری کند. وقتی تاریخ بیش از هر چیز و حتی پیش از جاری شدن کلام اسف آمیز در صدای غم زده اش در آن لحظه ها، با «نگاه»ی که به جیرانی و گاه به دوربین می انداخت، آن تعبیر «متأسفم برای برنامه هفت» را منتقل می کرد، میان ده ها تأثیر مهم دیگر در عرصه این سینما، یک تأثیر شخصی هم بر من گذاشت: از تأسف برآمده از نگاه تاریخ بود که یکهو فهمیدم چرا پیشنهاد دو هفته پیش جیرانی در دفتر رسول صدرعاملی را که به من گفت برای حضور در نقد و بررسی های ویژه برنامه «هفت» در شب های جشنواره فجر همراهی و همکاری کنم، به هیچ روی پذیرفتنی ندانستم. انگار در پرتو آن لحظه ای که تاریخ اهمیت کلیدی اش را برای حفظ و تجدید حرمت حریم شخصی سینماگران این دیار درک کرد، تازه دریافتم چرا به این که بتوانم دیدگاه های انتقادی روراست و صریح را در باب سیاستگزاری و عملکرد جشنواره فجر در برنامه او مطرح کنم، امیدی نداشتم. وقتی تاریخ از جیرانی می پرسید که آیا واقعاً باید همه واقعیات را بی حفظ حریم خصوصی، در اختیار و انظار همگان گذاشت، لحظه ای با خودم فکر کردم اگر احیاناً یک بار بی خبر، عکسی از جیرانی در حین غذاخوردن گرفته بودم و آن را انتشار می دادم، با چه واکنشی از جانب او ممکن بود مواجه شوم؟!